



طراحی الگوی توسعه ورزش همگانی در استان هرمزگان

مهدی سوادى^{*}، مهرعلی همتی نژاد^۱، محمدحسن قلی زاده^۲، حمیدرضا گوهررستمی^۴

تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۱/۰۳

تاریخ دریافت: ۹۴/۸/۱۳

چکیده

هدف: هدف این پژوهش مدل‌سازی عوامل و رویه‌های توسعه ورزش همگانی در استان هرمزگان بود. **روش‌شناسی:** روش تحقیق از نوع تحلیلی - پیمایشی بود. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه افراد صاحب-نظر در زمینه توسعه ورزش همگانی (مدرسان، مدیران، کارشناسان و مربیان) در استان هرمزگان می‌باشد. نمونه آماری به تعداد قابل کفایت جهت مدل‌سازی (۲۴۱ نفر) انتخاب و نظرخواهی شدند. ابزار تحقیق، پرسشنامه محقق‌ساخته براساس مطالعه نظری (کتابخانه‌ای) و تجربی (مصاحبه) شامل ابعاد اصلی محیطی، مدیریتی، منابع و رفتاری (۶۶ گویه) بود. روایی صوری و محتوایی توسط متخصصان (۱۵ نفر)، پایایی توسط آلفای کرونباخ (۰/۹۴) و روایی سازه توسط تحلیل عامل تأییدی (برازش مطلوب) تأیید شد. جهت تحلیل یافته‌ها از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری (Amos20) استفاده شد.

یافته‌ها: تحلیل عاملی الگوی پژوهش نشان داد که ساخت نظری تحقیق از برازش مطلوبی برخوردار است. تحلیل مسیر ابعاد توسعه ورزش همگانی استان نشان داد عامل محیطی بر عوامل مدیریت، منابع و رفتاری به ترتیب با ضرایب ۰/۹۰، ۰/۵۶ و ۰/۴۵ تأثیر گذار است. همچنین عامل مدیریت بر عامل‌های رفتاری و منابع به ترتیب با ضرایب ۰/۹۷ و ۰/۹۱ و عامل منابع با ضریب ۰/۶۶ بر سطح رفتاری اثرگذارند. **نتیجه‌گیری:** براساس یافته‌های پژوهش می‌توان گفت که همگانی شدن ورزش در استان هرمزگان براساس چارچوب حمایت عوامل محیطی، مداخله مثبت عوامل مدیریتی، بسترسازی منابع و نهایتاً از طریق عوامل رفتاری صورت می‌پذیرد. بنابراین ضرورت دارد خط‌مشی‌های توسعه ورزش همگانی در این استان مبتنی بر الگو شناسایی و تحلیل شده باشد.

واژه‌های کلیدی: توسعه ورزش، مدل‌سازی توسعه، عوامل توسعه، ورزش همگانی، استان هرمزگان.

۱. استادیار مدیریت ورزشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قشم

۲. استاد مدیریت ورزشی، دانشگاه گیلان

۳. دانشیار مدیریت مالی، دانشگاه گیلان

۴. استادیار مدیریت ورزشی، دانشگاه گیلان

* نشانی الکترونیک نویسنده مسئول: savadi.mehdi@gmail.com

مقدمه

با وجود رویکردهای مثبت مدیریت نظام ورزش و نظام سلامت در حوزه اوقات فراغت عمومی، اما همچنان گزارش‌ها و شواهدی مستند و متعدد از فقر حرکتی و عوارض ناشی از آن در زندگی شهرنشین مردم استان‌های محروم گزارش شده است که حاکی از وجود یک معضل اجتماعی نگران کننده می‌باشد (صفاری، ۱۳۹۱). به همین دلیل اپیدمی بی تحرکی موضوعی پیچیده بوده و چالش‌های زیادی را پیش روی سازمان‌های مسئول در حوزه فراغت، سلامت و ورزش قرار داده است (شهبازی، ۱۳۹۲). این درحالی است که فعالیت بدنی بخش اساسی سلامت عمومی یک جامعه بوده و به عنوان یک مولفه اساسی برای داشتن یک سبک زندگی سالم همواره مورد تاکید می‌باشد (شهبازی، ۱۳۹۲). به طور کلی ارتباط خطی معکوسی بین میزان فعالیت بدنی و همه دلایل منتهی به مرگ و میر وجود دارد (شهبازی، ۱۳۹۲) به گونه‌ای که میزان فعالیت بدنی با کیفیت مربوط به سلامتی در زندگی مرتبط بوده و رضایت از زندگی، رابطه مثبتی با آن دارد (به نقل از رضانی نژاد و همکاران، ۱۳۸۹).

توسعه ورزش همگانی بخشی از توسعه اقتصادی- اجتماعی ملی است. به طور کلی، توسعه جریانی است که در خود تجدید حیات و سمت‌گیری متفاوت کل نظام اقتصادی- اجتماعی را به همراه دارد. (طالب پور، ۱۳۹۱). سوتیریادو و شیلبری^۱ (۲۰۰۸) توسعه ورزش را مشتمل بر ساختارها، سیستم‌ها، فرصت‌ها و فرآیندهایی می‌دانند که افراد را قادر می‌سازد در

ورزش و تفریحات شرکت کنند و عملکرد خود را تا سطح دلخواه ارتقاء دهند.

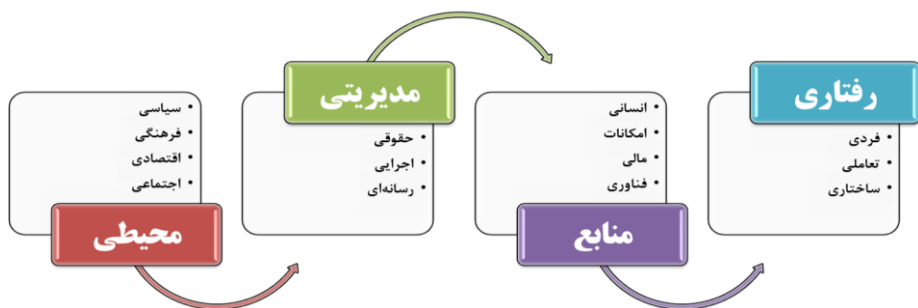
بررسی پژوهش‌های این حوزه نشان می‌دهد که در خصوص مدل سازی در حوزه ورزش همگانی علی رغم اقدامات انجام شده و پژوهش‌های صورت گرفته اهمیت پرداختن به این موضوع همچنان در سطح جامعه وجود داشته و نتایج این مطالعات بیش از پیش در کمک به توسعه ورزش همگانی تاثیرگذار می‌باشد. اکثر مطالعات عوامل جمعیت‌شناختی، زیستی، روانشناختی، شناختی، احساسی، رفتاری، اجتماعی، فرهنگی و محیطی را شناسایی و بررسی کرده‌اند. در زمینه مدل‌سازی؛ تاکنون مدل‌های بسیاری در زمینه ورزش همگانی ارائه شده است. در ایران تحقیقات محدودی به مدل‌سازی در زمینه توسعه ورزش همگانی پرداخته‌اند. سند جامع توسعه ورزش (۱۳۸۳) ابعاد توسعه ورزش همگانی را در رویکردهای پشتیبانی‌های نرم (عبارتند از: توسعه نهادها، توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات، توسعه منابع انسانی، توسعه محیط حقوقی، توسعه منابع مالی، توسعه مدیریت و برنامه‌ریزی، توسعه فرهنگ ورزش، توسعه علمی و پژوهشی توسعه استاندارد و ارزیابی) و پشتیبانی‌های سخت (عبارتند از: توسعه امکانات و زیرساخت و توسعه تجهیزات ورزش) توصیف کرده است. تحقیق غفوری (۱۳۸۳) نیز مدلی توصیفی از فرایند مدیریتی توسعه ورزش همگانی ارائه داده است. صفاری (۱۳۹۱) سه سطح محیطی (محیط زیست، رسانه‌ای، اقتصادی، اجتماعی، بین الملل، حقوقی سیاسی)، رفتاری (فردی، بین فردی،

ظرفیتی) و مدیریتی (منابع مالی، منابع انسانی، سازمان‌ها، قوانین، تجهیزات، فناوری) را به صورت پیمایشی مورد آزمون قرار داده است. علی‌رغم اینکه ابعاد زیادی در این مدل‌ها مدنظر نظر قرار گرفته‌اند اما با توجه به تفاوت مهمی بین مشارکت ورزشی و ورزش همگانی؛ مدل‌های قبلی به صورت تخصصی و مفهومی بحث مشارکت ورزشی را به طور مناسب تبیین نکرده‌اند. در مطالعات خارجی مدلسازی‌های انجام شده عمدتاً رویکرد الگوهای رفتاری فعالیت بدنی و ورزشی و یا الگوهای ملی توسعه ورزش همگانی بوده است. مدل اجتماعی- اقتصادی مشارکت در ورزش (ون تیکوم، ۲۰۱۱)، چارچوب ورزش انگلستان (۲۰۰۴)، مدل کانادایی ورزش برای زندگی (۲۰۰۷)، مدل اروپایی ورزش همگانی (۲۰۰۴)، مدل مدیریت ورزش‌های تفریحی (۲۰۰۵) از جمله مهم‌ترین مدل‌های ارائه شده در این زمینه هستند. به دلیل وضعیت جمعیت‌شناسی فعلی کشور و تغییرات و چالش‌های فراوان آن، به نظر می‌رسد این عوامل اهمیت ویژه‌ای داشته باشند و در توسعه ورزش همگانی مخصوصاً در سطح استانی باید در نحوه توزیع امکانات و برنامه‌ها به آن‌ها توجه اساسی داشت، بنابراین مطالعه این عوامل جهت دستیابی به اهداف مدیریتی و نهادی امری بس ضروری است. بررسی مطالعات خارجی در این زمینه نشان می‌دهد که برای گسترش عمومی شرکت کنندگان در ورزش باید قشرهای مهم مانند: محققین، سیاستمداران و افراد با تجربه را شرکت داد، همچنین تغییر ارزش‌های ورزش همگانی ناشی از سیاست‌های ورزشی دولت‌ها بیشتر تحت تاثیر مسائلی مانند هزینه امکانات ورزشی، الگوهای رایج و قدرت اقتصادی

مردم است (به نقل از آصفی و همکاران، ۱۳۹۳). این بررسی‌ها نشان می‌دهد که شاخص‌های کلان و سرانه‌های توسعه ورزش همگانی وجهه اصلی مشارکت عمومی در ورزش یک استان، منطقه یا کشور را نشان می‌دهد، بنابراین باید زیرشاخه‌های آن جهت تبیین و تشریح خود عوامل اصلی مورد بررسی قرار گیرد. مطالعات قبلی و مدل‌های ارائه شده عمدتاً کمتر جنبه کاربردی و اکتشافی داشته‌اند که لازم است مطالعات بعدی با واکاوی بیشتر تغییرات صورت گرفته در فرهنگ حرکتی مردم را رصد کنند. همچنین در جامعه‌ی مورد مطالعه، پژوهشی تا کنون انجام نشده است. هر چند پژوهش‌های بسیاری توسعه ورزش را در سطح کشوری و استانی بررسی کرده‌اند (قاسمی و همکاران، ۱۳۸۶؛ غفرانی، ۱۳۸۸؛ زاهدی، ۱۳۹۰؛ صفاری، ۱۳۹۱؛ ملایی، ۱۳۹۳)، اما عمده مطالعات کلان در حوزه ورزش همگانی به صورت تحلیل SWOT و تدوین استراتژی بوده است و مدل‌های مبتنی بر عوامل اثرگذار بر توسعه تاکنون ارائه نشده است. از این رو در این پژوهش سعی شده است این نیاز علمی و مطالعاتی برای استان هرمزگان تأمین شود، همچنین در راستای سیاست‌های کلی توسعه ورزش در کشور؛ الگوی مدیریتی مناسبی جهت توسعه ورزش همگانی در استان تدوین شود. بنابراین هدف از این پژوهش تدوین مدلی مناسب و متناسب با ساختار ورزش و ویژگی‌های زیستی در استان هرمزگان براساس نظر صاحب‌نظران حوزه ورزش همگانی در این استان است. چارچوب مفهومی انتخاب شده برای مدلسازی در این پژوهش براساس مطالعه نظری (کتابخانه‌ای و اسنادی) و مطالعه تجربی (مصاحبه) تدوین شده است و

ورزش همگانی استان هرمزگان محققین را برآن داشت تا با اتکا بر نظرات کارشناسان مجرب ورزش، مدل ساختاری ورزش همگانی را ارائه دهد. این مدل نمایش ساده‌ای از ساختار ورزش همگانی است و در حد خود قادر به تبیین کارکرد ساخت‌های اساسی ورزش همگانی می‌باشد.

شامل چهار منظر اصلی؛ محیط توسعه، مدیریت توسعه، منابع توسعه و توسعه رفتاری در حوزه ورزش همگانی است. مدل نظری شناسایی شده (شکل ۱) توسط صاحب‌نظران و از طریق پرسشنامه مورد ادراک قرار گرفت و به صورت مدل معادلات ساختاری (شکل ۲) تبیین و تأیید شد. مبانی اصلی دانش در هر حوزه‌ای بر پایه مدل‌های شناسایی شده مناسب قرار دارد. فقدان مدل‌های قابل اتکا و دارای مصادیق عینی در



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

مبانی و پیشینه از طریق مطالعه اسناد، کتاب‌ها و مقالات شامل منابع داخلی و خارجی متغیرها و شاخص‌های مربوط به توسعه ورزش همگانی و شناسایی و انتخاب شد. برای بررسی متغیرهای شناسایی شده و اکتشاف بیشتر در زمینه پژوهش از مصاحبه نیمه هدایت شده جهت نظرخواهی از متخصصان حوزه ورزش همگانی استفاده شد. پرسشنامه نهایی در ۶۶ گویه که با روش لیکرت و با ارزش گذاری پنج گزینه‌ای (بسیار کم، کم، تاحدی، زیاد، بسیار زیاد)، تهیه گردید. روایی صوری و محتوایی آن توسط ۱۲ نفر از متخصصین شامل ۵ تن از اساتید دانشگاه و ۷ تن از مدیران ورزشی بررسی و تأیید شد. به منظور تعیین پایایی پرسشنامه، روش آلفای

روش‌شناسی پژوهش

روش تحقیق از نوع تحلیلی - پیمایشی بود که به شکل میدانی انجام گرفت. جامعه آماری پژوهش شامل؛ مدیران و کارشناسان؛ اساتید دانشگاه، معلمان تربیت‌بدنی و مربیان آگاه به توسعه ورزش همگانی در استان هرمزگان می‌باشد. نمونه آماری تحقیق به تعداد قابل کفایت جهت مدلسازی معادلات ساختاری و فرضیه آزمایی (۲۴۱ نفر) انتخاب و به روش هدفمند و دردسترس (بر مبنای تخصص و تجربه) مورد نظرخواهی قرار گرفت. ابزار پژوهش شامل، پرسش‌نامه محقق ساخته در دو بخش مشخصات توصیفی و سوالات تخصصی بود. استخراج عامل‌ها، مولفه‌ها و گویه‌های اولیه با بررسی

یافته‌های پژوهش

توصیف ویژگی‌های فردی نشان نمونه پژوهش نشان داد، بیشتر نمونه‌های شرکت کننده مریبان و معلمان ورزش (۳۹ درصد) بودند، که از این میان ۶۳/۴۸ درصد مرد و ۳۶/۵۲ زن بودند، همچنین نزدیک به ۵۰ درصد آنها دارای تحصیلات لیسانس بودند (جدول ۱).

کروناخ به کار گرفته شد (۰/۹۴). علاوه بر این پرسشنامه با استفاده از تحلیل عاملی تاییدی مرتبه اول و دوم بررسی و در چهار بعد تایید شد. ابعاد این پرسشنامه شامل بعد رفتاری (۱۵ سوال)، بعد منابع (۱۸ سوال)، بعد مدیریتی (۱۲ سوال)، بعد محیطی (۲۱ سوال) است. جهت مقایسه اهمیت عوامل از آزمون فریدمن (نرم افزار SPSS) و جهت آزمون مدل مفهومی و فرضیات از روش تحلیل مسیر (نرم افزار Amos استفاده شد.

جدول ۱. توصیف مشخصات نمونه آماری پژوهش

مشخصه	مؤلفه
حوزه فعالیت	کارشناسان ورزش سازمان‌های دولتی
فراوانی	۲۸
درصد	۱۱/۶
جنسیت	اعضای هیات علمی و جوانان
فراوانی	۵۱
درصد	۲۱/۱۶
تحصیلات	مرد زن
فراوانی	۸۸
درصد	۳۶/۵۲
تحصیلات	لیسانس فوق لیسانس و بالاتر
فراوانی	۱۱۷
درصد	۴۸/۵۵
فعالیت	معلمین و مریبان
فراوانی	۹۴
درصد	۳۹
جنسیت	مرد زن
فراوانی	۱۵۳
درصد	۶۳/۴۸
تحصیلات	لیسانس فوق لیسانس و بالاتر
فراوانی	۸۸
درصد	۳۶/۵۱

میانگین رتبه (۲/۴۵)، در سطح منابع بعد مالی (۲/۹۶)، در سطح مدیریتی بعد رسانه ای (۲/۱۱) و در سطح محیطی بعد اجتماعی (۲/۸۴) بالاترین میزان اهمیت را در توسعه ورزش همگانی استان هرمزگان از دیدگاه پاسخ دهندگان به خود اختصاص دادند.

نتایج آزمون فریدمن در مقایسه و اولویت‌بندی ابعاد مختلف هریک از عوامل پژوهش (جدول ۲)، نشان داد که بین اهمیت این ابعاد در هر چهار سطح عوامل زمینه رفتاری، منابع، مدیریتی و محیطی تفاوت معنی‌داری وجود دارد (p ≤ ۰/۰۵). در سطح رفتاری رتبه بعد فردی (با

جدول ۲. مقایسه اهمیت ابعاد هریک از عوامل توسعه ورزش همگانی در استان هرمزگان

			۲/۴۵	۰/۵۶۹۵	۲/۲۴۳۹	فردی	
رفتاری	۲	۴۲/۴۸۸	۱/۸۸	۰/۵۹۴۹	۳/۸۹۴۳	تعاملی	
			۱/۶۷	۰/۷۷۷۲	۳/۷۱۹۵	ساختاری	
			۲/۱۹	۰/۶۲۶۵۵	۳/۹۸۶۴	انسانی	
منابع	۳	۵۴/۷۵۹	۲/۹۶	۰/۵۴۳۴۴	۴/۳۰۷۳	مالی	
			۲/۸۵	۰/۵۹۳۲۲	۴/۲۶۰۲	تجهیزات	
			۲/۰۰	۰/۵۷۲۰۱	۳/۸۶۳۸	فناوری	
مدیریتی	۲	۱۰/۸۳۲	۱/۷۸	۰/۷۸۱۴۵	۳/۷۳۹۵	حقوقی	
			۲/۱۱	۰/۶۶۲۱۲	۳/۹۳۲۲	اجرایی	
			۲/۱۱	۰/۵۷۴۹۶	۳/۹۷۴۷	رسانه‌ای	
محیطی	۳	۳۳/۷۵۵	۲/۱۳	۰/۶۵۰۳۸	۳/۷۱۶۸	سیاسی	
			۲/۸۴	۰/۵۹۷۸۰	۴/۰۹۹۴	اجتماعی	
			۲/۸۰	۰/۷۴۳۹۹	۳/۹۷۰۶	اقتصادی	
			۲/۲۲	۰/۷۱۱۰۷	۳/۸۰۷۹	فرهنگی	

عوامل‌های رفتاری، منابع، مدیریتی و محیطی بود و تفاوت اولویت این عوامل نیز معنی‌دار بود.

نتایج آزمون فریدمن نشان داد، مهمترین عوامل توسعه ورزش همگانی استان هرمزگان به ترتیب

جدول ۳. مقایسه اهمیت عوامل توسعه ورزش همگانی در استان هرمزگان

عوامل	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین رتبه	خی دو	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
رفتاری	۳/۷۵	۰/۵۰۸	۲/۹۸			
منابع	۳/۹۰	۰/۵۰۶	۲/۷۷	۴۳/۶۴۰	۳	۰/۰۰۱*
مدیریتی	۳/۹۰	۰/۵۱۹	۲/۱۵			
محیطی	۴/۰۱	۰/۴۹۵	۲/۱۰			

مدل ساختاری نهایی متغیرهای پژوهش:
جهت انجام تحلیل مسیر و مدل معادلات ساختاری نهایی؛ متغیرهای اصلی منابع، محیطی و مدیریتی به عنوان متغیر مستقل و متغیر رفتاری به عنوان متغیر وابسته پژوهش براساس مطالعه مبانی نظری و پیشینه تحقیق در نظر گرفته شدند (شکل ۱). نتایج تحلیل مسیر بین

تحلیل عامل تأییدی: هر یک از عامل‌های چهارگانه رفتاری، مدیریتی، منابع و محیطی به عنوان سازه‌های اصلی پژوهش در قالب مدل‌های اندازه‌گیری معادلات ساختاری مورد ارزیابی قرار گرفتند. تحلیل عاملی تأییدی این سازه‌ها در نرم افزار (Amos₂₀) نشان داد سازه‌های پژوهش از روایی مطلوبی برخوردار است و شرایط لازم جهت انجام تحلیل مسیر را دارد.

متغیرهای پژوهش در قالب جدول ۴ گزارش شده است.
جدول ۴. نتایج خروجی‌های مدل نهایی پژوهش

مدیریت	<---	محیط	۰/۱۷۱	۵/۶۱۶	***	۰/۸۹۸
منابع	<---	محیط	۰/۲۲۹	۲/۲۰۷	۰/۰۲۷	۰/۵۶۲
رفتاری	<---	محیط	۰/۱۹۸	۱/۹۰۱	۰/۰۵۷	۰/۴۵۰
رفتاری	<---	مدیریت	۰/۱۸۹	۳/۴۶۸	***	۰/۹۷۱
منابع	<---	مدیریت	۰/۱۴۳	۵/۹۱۴	***	۰/۹۰۶
رفتاری	<---	منابع	۰/۳۸۰	۵/۳۸۵	***	۰/۶۶۳
فردی	<---	رفتاری			***	۰/۸۵۰
تعاملی	<---	رفتاری	۰/۰۹۰	۱۰/۸۲۰	***	۰/۸۹۷
ساختاری	<---	رفتاری	۰/۱۱۹	۹/۶۲۴	***	۰/۷۷۴
رسانه‌ای	<---	مدیریت			***	۰/۷۱۵
اجرایی	<---	مدیریت	۰/۱۷۶	۷/۱۹۲	***	۰/۷۶۱
حقوقی	<---	مدیریت	۰/۱۹۲	۶/۹۷۷	***	۰/۶۹۷
انسانی	<---	منابع			***	۰/۵۴۶
امکانات	<---	منابع	۰/۲۱۴	۵/۱۴۰	***	۰/۶۳۲
مالی	<---	منابع	۰/۱۳۶	۵/۰۸۴	***	۰/۴۳۱
فناوری	<---	منابع	۰/۲۱۴	۵/۲۲۴	***	۰/۶۵۸
اجتماعی	<---	محیط			***	۰/۷۱۳
اقتصادی	<---	محیط	۰/۲۲۲	۴/۹۶۹	***	۰/۵۶۵
فرهنگی	<---	محیط	۰/۲۱۸	۴/۹۹۶	***	۰/۵۵۲
سیاسی	<---	محیط	۰/۱۷۱	۵/۶۱۶	***	۰/۶۲۲

ابعاد فناوری (۰/۶۶) امکانات (۰/۶۳)، انسانی (۰/۵۵) و مالی (۰/۴۳) تبیین کننده عامل منابع توسعه‌ی ورزش همگانی استان هرمزگان هستند. میزان اثرگذاری برای همه ابعاد معنی‌دار بدست آمد ($p \leq 0/05$).

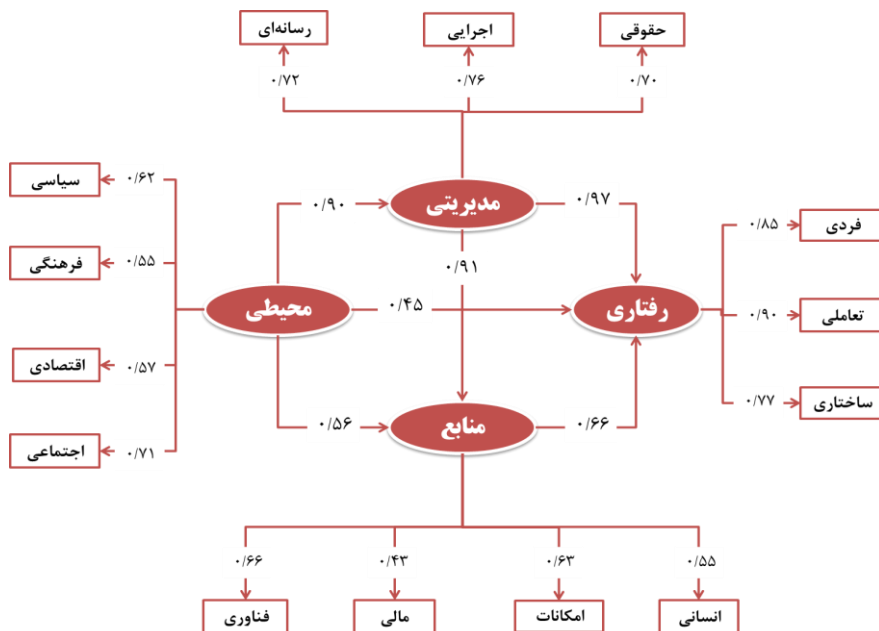
ابعاد اجرایی (۰/۷۶)، رسانه‌ای (۰/۷۲) و حقوقی (۰/۷۰) تبیین کننده عامل مدیریت توسعه‌ی ورزش همگانی استان هرمزگان هستند. میزان اثرگذاری برای همه ابعاد معنی‌دار بدست آمد ($p \leq 0/05$).

براساس جدول ۴ و شکل ۲، ابعاد اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی به ترتیب با ضرایب ۰/۷۱، ۰/۶۲، ۰/۵۷ و ۰/۵۵ تبیین کننده عامل محیط در توسعه‌ی ورزش همگانی استان هرمزگان هستند. میزان اثرگذاری برای همه ابعاد معنی‌دار بدست آمد ($p \leq 0/05$).

ابعاد تعاملی (۰/۹۰)، فردی (۰/۸۵) و ساختاری (۰/۷۷) تبیین کننده سطح رفتاری توسعه ورزش همگانی استان هرمزگان هستند. میزان اثرگذاری برای همه ابعاد معنی‌دار بدست آمد ($p \leq 0/05$).

تأثیرگذار است. میزان تأثیر عامل مدیریتی بر سطح رفتاری و منابع معنی‌دار می‌باشد. عامل منابع با ضریب ۰/۶۶ بر سطح رفتاری به طور معنی‌داری تأثیرگذار است ($p \leq 0/05$). براساس مدل؛ عامل‌های مدیریتی، منابع و محیطی به ترتیب اولویت بر سطح رفتاری اثرگذارند.

عامل محیطی به ترتیب با ضرایب ۰/۹۰، ۰/۹۷ و ۰/۴۵ بر سطوح مدیریتی، منابع و رفتاری تأثیرگذار بود که تأثیر محیط بر سطح مدیریتی معنی‌دار اما بر سطح منابع و رفتاری معنی‌دار نمی‌باشد ($p \leq 0/05$). عامل مدیریتی به ترتیب با ضرایب ۰/۹۷ و ۰/۹۱ بر سطوح رفتاری و منابع



شکل ۲. مدل ساختاری نهایی متغیرهای توسعه ورزش همگانی استان هرمزگان

روابط بدست آمده بین متغیرها دارای اعتبار سازه هستند.

براساس شاخص‌های برازش در نرم افزار که در جدول ۵، گزارش شده است مدل ساختاری پژوهش از برازش مطلوبی برخوردار می‌باشد و

جدول ۵. شاخص‌های برازش مدل ساختاری نهایی پژوهش

شاخص‌ها	RMSEA	CFI	IFI	NFI	GFI	CMIN/DF
مقادیر	۰/۰۵۳	۰/۹۶۳	۰/۹۶۴	۰/۸۷۴	۰/۹۰۰	۱/۳۴۷
مقادیر قابل قبول	< ۰/۱	> ۰/۹	> ۰/۹	> ۰/۹	> ۰/۹	۱-۳

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از این پژوهش طراحی مدل توسعه ورزش همگانی در استان هرمزگان بود. بدین منظور مدل مفهومی تحقیق با استناد به مبانی نظری و پیشینه تحقیقات با چهار سطح رفتاری منابع، مدیریتی و محیطی ارائه شد. یکی از مهم‌ترین نتایج این پژوهش ارائه الگوی مفهومی برای توسعه ورزش همگانی استانی به صورت موردی استان هرمزگان بود. به‌طور کلی، نتایج نهایی پژوهش (مدل)، لزوم توسعه رفتاری (متغیر وابسته) را براساس توسعه بیشتر منابع، بهینه‌سازی مدیریت و حمایت محیطی (متغیرهای مستقل) را تأیید نمود. براساس یافته‌ها ابعاد اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی به ترتیب؛ تبیین‌کننده محیط توسعه ورزش همگانی استان هرمزگان می‌باشند. رجوع به یافته‌های علمی قبلی در این زمینه نیز دلالت بر همسویی این یافته‌های با مطالعات پیشین دارد. نتایج تحقیقات مختلفی نشان داده است که میزان گرایش به فعالیت ورزشی بستگی بالایی به طبقه اجتماعی فرد بستگی دارد به طوری‌که حضور در مکان‌های ورزشی را متأثر از عوامل اجتماعی می‌داند (قلی‌نیا و همکاران، ۱۳۸۳). می‌توان گفت که بعد کلان اجتماعی و سیاسی که از بالا به پایین در طبقات نظام اجتماعی اعمال می‌شود بیشترین اثر را از طرف محیط بر ورزش همگانی دارد. از همین رو شرایطی که منجر به تغییر نگرش دولتمردان و اهمیت ورزش همگانی نزد آنان همراه با کاهش هزینه شرکت در فعالیتهای ورزشی و افزایش امنیت اجتماعی و توجه به ارزشها و هنجارهای جامعه باشد زمینه توسعه ورزش همگانی بیش از پیش را فراهم خواهد آورد (شعبانی ۱۳۹۳).

در بعد اقتصادی نیز (به نقل از آصفی، ۱۳۹۳) رابطه معنی‌داری بین وضعیت اقتصادی با شرکت در ورزش همگانی جوانان یافتند. تحقیقات واحد و دیگران (۱۳۸۹) و اتقیاء (۱۳۸۶) گران بودن حق عضویت‌ها و تهدیدات اقتصادی و هزینه‌ای را دلایل عدم رضایت و همچنین عدم شرکت مردم در فعالیت‌های ورزشی ذکر می‌کنند. نتایج تحقیق جعفری (۱۳۸۰) که با نتایج تحقیق حاضر نیز همسو بود نشان داد که عوامل فرهنگی جهت شرکت در مسابقات و فعالیت‌های ورزشی عمومی از مهمترین علل عدم گرایش به فعالیت‌های ورزشی همگانی می‌باشد. با توجه به نتایج، ابعاد تعاملی، فردی و ساختاری به ترتیب؛ تبیین‌کننده سطح رفتاری توسعه ورزش همگانی استان هرمزگان هستند. براساس مبانی نظری در حوزه علوم رفتاری افراد معمولاً برای مشارکت در ورزش در مرحله اول باید بر عوامل بین فردی مسلط و سپس بر عوامل فردی و ساختاری مسلط شوند تا بتوانند در فعالیتهای ورزشی شرکت کنند (چنگ و کوزه‌چیان، ۲۰۰۷). باقرپور (۱۳۸۷) و رضانی نژاد و همکاران (۱۳۸۹) بر اهمیت نگرش و نقش خود‌پنداره بدنی را در گرایش به مشارکت ورزشی تأکید کرده‌اند که با نتایج این پژوهش همسو می‌باشد. ساماهیتو (۲۰۰۰) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که افزایش آگاهی و دانش شهروندان درباره‌ی مزایای مشارکت منظم در فعالیت‌های ورزشی، تغییر نگرش آنها و یادگیری انواع ورزش‌ها مقدمات توسعه ورزش همگانی را فراهم می‌کند. معتمدین و همکاران (۱۳۸۸) کمبود وقت، وجود مسئولیتهای خانوادگی و شاغل بودن را نیز به عنوان یکی از

موانع در گرایش به ورزش همگانی مورد تاکید قرار دادند. براساس یافته‌ها می‌توان اولویت ابعاد و میزان تبیین سطح رفتاری توسط آن‌ها را تأیید نمود. گزارش یافته‌ها نشان داد که ابعاد فناوری، امکانات، انسانی و مالی به ترتیب؛ تبیین کننده منابع توسعه ورزش همگانی استان هرمزگان می‌باشند. از آنجا که امروز بحث کیفیت و روزآمدی در خدمات فاکتور مهمی در پویایی صنعت ورزش است و فناوری مهم‌ترین نقش را در این زمینه ایفا می‌کند بنابراین اولویت آن به سایر ابعاد قابل انتظار می‌باشد. از طرف دیگر مرور شواهد علمی قبلی نیز وضعیت نتایج گزارش شده برای ابعاد منابع را حمایت می‌کنند. از دیدگاه شعبانی و همکاران (۱۳۹۰) یکی از چالش‌های ورزش همگانی کشور بهره نرفتن از فناوری روزآمد برای آموزش مربوط به ورزش همگانی است. شبیبانی فهندری (۱۳۹۱) نیز تأکید کرده است که سازمان‌های متولی ورزش همگانی فناوری را همانند فرصتی ارزشمند، به منظور پاسخگویی به تحولات سریع محیطی و افزایش کارایی به کار گیرند. ممتازبخش و فکور (۱۳۸۶) در راهکارهای ارتقا و توسعه ورزش همگانی بعد از بحث امکانات و تجهیزات؛ تربیت منابع انسانی، نیروهای داوطلب و حضور مربیان باتجربه و کارآموده در توسعه ورزش همگانی را مهم و حیاتی می‌دانند. منابع انسانی در بخش ورزش همگانی شامل مدیران، کارکنان، مربیان و نیروهای داوطلبی می‌گردد که هر دسته می‌تواند نقش مهمی را مقدم بر منابع مالی در ارتقا و توسعه ورزش همگانی در کشور و نهایتاً نهادینه شدن آن در جامعه بازی کنند. معتمدین و همکاران (۱۳۸۸) در تحقیق خود نشان دادند کمبود منابع مالی از مهمترین

عوامل عدم گرایش مردم به ورزش همگانی است. در پژوهشی که خاکی و همکاران (۱۳۸۴) انجام دادند برگزاری مسابقات و اهدای جوایز از عوامل مؤثر بر توسعه ورزش همگانی شناخته شدند. سمیع نیا و همکاران (۱۳۹۲) در آسیب شناسی ورزش همگانی کشور پایین بودن بودجه اختصاص یافته به ورزش همگانی را از ضعف های عمده این حوزه بیان داشتند. لذا با توجه به فرصت دیدگاه حمایتی که مسئولان ورزش استان به ورزش همگانی دارند به نظر می‌رسد اهتمام بیشتری برای رفع کمبود تجهیزات، امکانات، نیروی انسانی و بودجه در زمینه ورزشی لازم است. براساس نتایج ابعاد اجرایی، رسانه‌ای و حقوقی به ترتیب؛ تبیین کننده مدیریت توسعه ورزش همگانی استان هرمزگان هستند. میزان اثرگذاری برای همه ابعاد معنی‌دار بدست آمد. احسانی (۱۳۹۳) در گزارش خود تأکید کرده است که در توسعه ورزش همگانی مقدم بر سایر اقدامات مختلف بایستی وحدت سیاستگذاری، تدوین شرح وظایف و تقسیم کار و ایجاد تعاملات مستمر در بین سازمانها و نهادهای حوزه ورزش همگانی در سطح مختلف وجود داشته باشد تا مشارکت افراد جامعه در فعالیتهای بدنی گسترش یابد. صفاری و شهرزاد (۱۳۸۷) نشان دادند که اقدامات پایه جهت ارتقاء صنعت ورزش همگانی در برگیرنده توسعه و توزیع برنامه‌های ورزشی، برگزاری مسابقات تفریحی، مدیریت، برنامه ریزی و سازماندهی فعالیت‌های ورزشی می‌باشد. غفوری و همکاران (۱۳۸۲) نقش رسانه‌ها را از مهم ترین عوامل موثر در روی آوردن افراد به ورزش همگانی بیان کردند و شعبانی و همکاران (۱۳۹۰) نیز سهم کم رسانه‌ها در ترویج ورزش

و فرهنگى خود است و عوامل اقتصادى و اجتماعى نیز زمینه محیط ورزشى هستند و در طول عمر بر سایر عوامل اثر مى‌گذارند (صفارى، ۱۳۹۱). موضوع رابطه مشارکت ورزشى با میزان اثرگذارى مولفه‌هاى محیطى مطابق با گزارش‌هاى پیشین و اصول علمى است و پاسخ‌دهندگان نیز درک مشابهى از ساختار محیط ورزش همگانى و تعامل آن با محیط داخلى داشته‌اند. بنابراین، باید بیان کرد که شروع و تداوم مشارکت ورزشى به تاثیر بالای عوامل فردى و محیطى وابسته است که در کنار این دو، مدیریت نیز باید بسترهاى لازم جهت تعدیل این رابطه پویا را فراهم و تقویت نماید. عامل مدیریتی به ترتیب میزان اثر بر سطوح رفتارى و منابع تأثیرگذار است. میزان تأثیر عامل مدیریتی بر سطح رفتارى و منابع معنی‌دار مى‌باشد. به عقیده جکسون (۱۹۹۵) توسعه منابع انسانی به مفهوم تولید فکر و ایده توسط کارکنان سازمان است و مفهوم جدید آن ایجاب مى‌کند کارکنان به کیفیت‌ها و مهارت‌هاى مجهز شوند. به لحاظ اصول توسعه، مدیریت متغیر مداخله‌گر اصلی نسبت به زمینه توسعه و سایر متغیرها محسوب مى‌شود. زیرساخت‌ها در واقع منابع مورد رجوع و ابزار دست مدیریت محسوب مى‌شوند و مدیریت قابلیت مداخله در ساختار آن‌ها را دارد (کشکر، ۱۳۸۶). کریمیان و تندنویس (۱۳۸۳)، نیز بین نیروى انسانی، منابع مالی و تخصص مدیران در ورزش همگانى با میزان مشارکت در رویدادهای ورزشى رابطه معنی‌دارى پیدا کردند، اما بیان داشتند به واسطه نوع تحلیل همبستگی آن‌ها؛ اثرباى آن نیاز به حضور سایر متغیرها دارد که در این پژوهش انجام شده و تاثیر غیرمستقیمی

همگانى را از چالش‌هاى مهم ورزش همگانى برشمرده‌اند. زاهدی (۱۳۹۰) نیز بین نقش‌هاى چهارگانه رسانه‌هاى ورزشى با توسعه فرهنگ ورزش همگانى ارتباط معنی‌دارى مشاهده کردند. علاوه بر این موارد؛ اجرای برنامه‌هاى تأکیده شده نیاز به حمایت حقوقى در سطوح مختلف اجرائى و سازمانى دارد. انجمن ارزیابى و برنامه‌ریزى ویکتوریا (۲۰۱۰)، تدوین قانون و سیاستگذارى در بخش‌هاى مختلف؛ مانند سیاست‌هاى برنامه‌ریزى شهرى، سیاست‌هاى حمل و نقل فعال، سیاست‌هاى آموزشى؛ مانند اختصاص زمان برای کلاس‌هاى تربیت بدنى، سیاست‌هاى ورزشى، سیاست‌هاى سلامتی، سیاست‌هاى محیط زیست، سیاست‌هاى محل کار و سیاست‌هاى سرمایه‌گذارى را در مشارکت در فعالیتهای ورزشى موثر و مفید مى‌دانند.

عامل محیطى به ترتیب میزان اثر بر سطوح مدیریتی، منابع و رفتارى تأثیرگذار است. میزان تأثیر محیط بر سطح مدیریتی معنی‌دار مى‌باشد اما بر سطح منابع و رفتارى معنی‌دار نیست. بسیاری از ویژگی‌ها و عوامل محیطى مانند بعد فرهنگى و اجتماعى مى‌توانند بر عوامل مشارکتى مانند برنامه‌ریزى، امکانات، رفتار عینى یا ادراک از خود (ساختارى) اثرگذار باشند (جکسون، ۱۹۹۵)، علاوه بر این ویژگی‌هاى رفتارى افراد تا حدودى تحت تاثیر عوامل و منابع محیطى است. همان‌طور که وندریش و همکاران (۲۰۱۲)، مشارکت ورزشى را وابسته به وضعیت اجتماعى و اقتصادى با میانجى‌هاى دیگر دانسته‌اند. صفارى (۱۳۹۱) عنوان مى‌کند که بیشتر تغییرات در جهت‌گیرى‌هاى ورزشى افراد ناشى از نحوه تعامل فرد با محیط اجتماعى

شناسایی شده است. گرینی (۲۰۰۶)، به نقش و اهمیت برنامه‌ریزی جهت تمرکز سیاست و بودجه‌گذاری‌های بریتانیا به منظور خلق فرصت‌های یکسان برای همه افراد جامعه اشاره می‌کند. بنابراین توالی بین این شاخص‌ها علاوه بر اهمیت آن‌ها از منطق مدیریتی نیز پیروی می‌کند. عامل منابع با ضریب بر سطح رفتاری به طور معنی‌داری تأثیرگذار گزارش شد. با توجه به اینکه دلیل اصلی تغییر نیاز به اماکن ورزشی و تغییر طبیعت ورزش‌های مورد علاقه در طول عمر است (صفاری، ۱۳۹۱)، به همین دلیل متغیرهای منابع با متغیرهای رفتاری ارتباط نزدیک و مستقیمی دارند. در زمینه تأثیر اماکن و تجهیزات ورزشی بر مشارکت افراد در فعالیت‌های بدنی و ورزش که تأثیرگذاری بالاتری نسبت به دو عامل دیگر داشتند. اغلب محققان بر این عقیده هستند که شرکت در فعالیت‌های ورزشی غیر رسمی به وجود امکانات و اماکن لازم بستگی دارد و باید انواع مختلف امکانات ورزشی برای آن‌ها فراهم شود (اسدی‌دستجردی، ۱۳۸۰). بر این اساس باید عنوان کرد که از منظر کارشناسان در ورزش همگانی، رویکرد دوم غالب بوده است. براساس مدل؛ عامل‌های مدیریتی، منابع و محیطی به ترتیب اولویت بر سطح رفتاری اثرگذارند. براساس مبانی علوم رفتار سازمانی، عوامل مدیریتی شکل‌دهنده رفتار بیش از عوامل محیطی و منابع شکل‌دهنده بر مشارکت ورزشی اثر می‌گذارند. این نتایج با وضعیت مولفه‌های مشابه در پژوهش صفاری (۱۳۹۱) و مدل ورزش انگلستان (۲۰۰۴)، همخوانی دارد. اهمیت مدیریت در توسعه مشخص است و براساس این نتایج، نوع مداخله و اثربخشی

مدیریت، فراتر از کیفیت امکانات و خدمات، اثرات محیطی و گرایش‌های فردی سبب مشارکت ورزشی می‌شود. همچنین امکانات و خدمات ورزشی دارای جنبه‌های انگیزشی بیشتری نسبت به عوامل محیطی است. به‌طور کلی نحوه‌ی تقدم و تأخر در اثرگذاری متغیرهای این یافته‌ها با نتایج متناظر در پژوهش‌های کشر (۱۳۸۶)، صفاری (۱۳۹۱)، رضانی‌نژاد و همکاران (۱۳۸۹) و مدل توسعه ورزش انگلستان (۲۰۰۴) و هنک‌کنگ (۲۰۰۵)، هم‌خوانی دارد. در جمع‌بندی پژوهش باید عنوان کرد که توسعه ورزش همگانی نیازمند ایجاد زیرساخت و همچنین ساختارهای مناسب است. بر پایه مدل حاضر می‌توان فرایند ورزش همگانی را تحلیل کرد و به نوعی به دسته‌بندی جدید دست یافت که مبتنی بر نظرات خبرگان ورزش همگانی و مشابه برخی مدل‌های توسعه ورزش است. این مدل، شناختی جامع و کلان بر پایه شناسایی عوامل کلیدی مؤثر بر توسعه ورزش همگانی و چگونگی تعامل آن‌ها با یکدیگر را فراهم می‌آورد و چارچوبی مناسب و بومی برای مطالعات بیشتر و دقیق‌تر در این حوزه است و می‌تواند برای توسعه ورزش همگانی مبنای عمل قرار گیرد. به طور کلی، براساس یافته‌های پژوهش می‌توان گفت که همگانی شدن ورزش در استان هرمزگان براساس چارچوب حمایت عوامل محیطی، مداخله مثبت عوامل مدیریتی، بسترسازی منابع و نهایتاً از طریق عوامل رفتاری صورت می‌پذیرد. بنابراین ضرورت دارد خط‌مشی‌های توسعه ورزش همگانی در این استان مبتنی بر ساختار شناسایی و تحلیل شده باشد.

منابع

- روش‌نند ارىطمانى طاهر(۱۳۸۶). تبیین جایگاه رسانه‌های همگانی در نهادینه کردن ورزش همگانی در کشور". نشریه حرکت، شماره ۳۳.
- زاهدی، نسرين (۱۳۹۰). مقایسه و اولویت بندی راهکارهای توسعه ورزش همگانی کشور از دیدگاه مدیران، کارشناسان و صاحب‌نظران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه شمال.
- سمیع نیا، مونا؛ پیمانی زاده، حسین؛ جوادى پور، محمد (۱۳۹۲). آسیب شناسی راهبردى ورزش همگانی در ایران و ارائه راهکارهای توسعه بر اساس مدل SWOT، مدیریت ورزش پژوهش در علوم ورزشی، شماره ۸۶، صص: ۲۳۸ - ۲۲۱.
- شهبازی، مهدی؛ شعبانی مقدم، کیوان؛ صفاری، مرجان (۱۳۹۲). ورزش همگانی (ضرورت، موانع و راهکارها)، فصلنامه مجلس و راهبرد، سال بیستم، شماره ۷۶.
- صفاری، مرجان؛ شهزاد، ندا (۱۳۸۹). بررسی تطبیقی سیاست‌های ورزش همگانی در کشور-های منتخب، دومین همایش ملی ورزش شهروندی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی.
- صفاری، مرجان (۱۳۹۱). طراحی الگوی توسعه ورزش همگانی ایران، رساله دکتری دانشگاه تربیت مدرس.
- صفانیان، علی محمد؛ پیرعلی، میلاد؛ دوستی، مرتضی (۱۳۹۲). مدیریت اوقات فراغت و تفریحات سالم، انتشارات بامداد کتاب.
- طالب‌پور، مهدی (۱۳۹۱). طرح پژوهشی تدوین برنامه راهبردی رشته علوم ورزشی، پژوهشگاه تربیت‌بدنی.
- غفرانی، محسن (۱۳۸۸). طراحی و تدوین راهبرد توسعه ورزش همگانی استان سیستان و بلوچستان، فصلنامه حرکت، شماره ۳۹.
- غفوری، فرزاد (۱۳۸۶). مطالعه انواع ورزش‌های همگانی و تفریحات مطلوب جامعه و ارائه مدل برای برنامه ریزی‌های آینده، دفتر ملی مدیریت و توسعه ورزش کشور، سازمان تربیت بدنی جمهوری اسلامی ایران.
- اتقیا، ناهید(۱۳۸۶). نیازسنجی از اقصار مختلف زنان ایرانی در زمینه ورزش‌های همگانی. پژوهش در علوم ورزشی، شماره ۱۷، صص: ۳۱-۱۵.
- اسدی، حسن؛ شعبانی مقدم، کیوان (۱۳۹۲). مدیریت اوقات فراغت و ورزش‌های همگانی. انتشارات دانشگاه تهران.
- اسدی دستجردی، حسن (۱۳۸۰). نیازسنجی و نظرسنجی از دانشجویان در خصوص فعالیت‌های تربیت‌بدنی و علوم ورزشی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی کشور، طرح پژوهشی، پژوهشکده تربیت‌بدنی و علوم ورزشی.
- آصفی، احمدعلی؛ خبیری، محمد؛ اسدی دستجردی، حسن؛ گودرزی، محمود (۱۳۹۳). بررسی عوامل سازمانی موثر در نهادینه کردن ورزش همگانی در ایران، پژوهشنامه مدیریت ورزشی و رفتار حرکتی، سال دهم، شماره ۲۰، صص: ۶۳-۷۶.
- آفرینش خاکی، اکبر؛ تندنویس، فریدون؛ مظفری، امیر احمد (۱۳۸۴). مقایسه دیدگاه‌های اهدای هیات علمی، مربیان، ورزشکاران و مدیران در مورد چگونگی توسعه ورزش همگانی، نشریه علوم حرکتی و ورزش، جلد اول، شماره ۵، صص: ۱-۲۲.
- باقرپور، محمد مهدی (۱۳۸۷). بررسی و مقایسه انگیزه‌های اصلی شرکت در ورزش همگانی و قهرمانی شهر رشت، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شمال.
- تندنویس، فریدون (۱۳۸۰). جایگاه ورزش در اوقات فراغت زنان ایرانی، مجله حرکت، شماره ۱۲، صص: ۱۰۴-۸۷.
- جعفری، مریم (۱۳۸۰). بررسی عوامل فرهنگی گرایش زنان به ورزش در تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران.
- رضائی نژاد، رحیم؛ واعظ موسوی، کاظم؛ مختاری، سید محمد رباب (۱۳۸۹). مقایسه کیفیت زندگی افراد شرکت‌کننده و غیر شرکت‌کننده در ورزش همگانی، حرکت، نشریه مدیریت ورزشی.

- قره، محمد علی (۱۳۸۳). بررسی وضعیت ورزش همگانی ایران و مقایسه آن با چند کشور منتخب جهان، رساله دکتری، دانشگاه تربیت معلم تهران.
- قلی نیا، محمد جواد (۱۳۸۳). ایجاد زمینه و برنامه ریزی برای همگانی کردن ورزش تحقیقات ویژه توسعه کشور، طرح مشترک سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور و سازمان تربیت بدنی.
- کشر، سارا (۱۳۸۶). تجزیه و تحلیل عوامل بازدارنده زنان از مشارکت در فعالیتهای ورزش تفریحی شهر تهران، رساله دکتری، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس تهران.
- کاشف، میرمحمد (۱۳۷۹). بررسی وضعیت ورزش همگانی در ایران و توصیه برای توسعه آن، چکیده مقالات چهارمین همایش ملی تربیت بدنی و علوم ورزشی، صص: ۸۶-۸۷.
- مظفری، امیر احمد؛ قره، محمد علی (۱۳۸۴). وضعیت ورزش همگانی ایران و مقایسه آن با چند کشور منتخب جهان، نشریه علوم حرکت و ورزش، شماره ۶، صص: ۱۷۱-۱۵۱.
- ملایی، مینا (۱۳۹۳). بررسی عوامل مؤثر بر توسعه ورزش قهرمانی استان‌ها و ارائه الگوی پیشنهادی، رساله دکتری دانشگاه گیلان.
- معتمدین، مختار؛ مددی، بهمن؛ عسکریان، فریبا (۱۳۸۸). توصیف عوامل گرایش یا عدم گرایش شهروندان تبریزی به ورزش همگانی، نشریه پژوهش در علوم ورزشی، شماره ۲۳، صص: ۹۸-۷۵.
- واحد، رضا صابونچی؛ گودرزی، بیژن (۱۳۸۸). تبیین استراتژی ورزش همگانی استان اصفهان بر اساس مدل SWOT، مقالات هفتمین همایش بین‌المللی تربیت بدنی و علوم ورزشی، تهران.
- Atkinson, J. L., Sallis, J. F., Saelens, B. E., Cain, K. L., & Black, J. B. (2005). The association of neighborhood.
- Bornstein, D. B., Pate, R. R., & Pratt, M. (2009). A Review of the National Physical Activity Plans of Six Countries, *Journal of Physical Activity and Health*, 6(2): S245-S264.
- Cheng, S., Kozechian, H (1998) . A Comparative Study on Recreational Sports Participation Among the University Students, Available on http://www.isdy.net/pdf/eng/2007_22.pdf
- European Sport Management Quarterly, 11(3): 197-224.
- Girginov. Vassil. (2001). Strategic relations and sport policy making: the case of aerobic union and school sport federation, Bulgaria, *Journal of sport management*, 15, :173-b, 194.
- Gordon-Larsen, P., Nelson, M., Page, P., & Popkin, B. (2006). Inequality in the built environment underlies key health disparities in physical activity and obesity. *Pediatrics*, 117: 417-424.
- Gratton, Chris. Tylor, Peter. (2000). *Economics of Sport and Recreation*. Taylor & Francis Group. First published
- Green, M, (2006), "From 'Sport for All' to Not About 'Sport' at All? : Interrogating Sport Policy Interventions in the United Kingdom. *European Sport Management Quarterly*. 63 :217-238.
- Humbert, M., Chad, K., Spink, K., Muhajarine, N., Anderson, K., Bruner, M., et al. (2006). Factors that influence
- Koltyn, K.F. (2001). The association between physical activity and quality of life in older women. *Women health issues*, 11 (6): 471-80.
- Jackson, S.E. and Schuler, R.S. (1995), "Understanding human resource management in the context of organizations and their environments", *Annual Review of Psychology*, 46(1): 237-64 .

- Exercise Science, 24:113-12.
- Walking, Review and research agenda, American Journal of Preventive Medicine, 27(1): 67-76.
 - Wicker, P., Breuer, C., & Pawlowski, T. (2009). Promoting Sport for All to Age-specific Target Groups: the Impact.
 - Lim, S. Y., Warner, S., Dixon, M., Berg, B., Kim, C., & Newhouse-Bailey, M. (2011). Sport participation across national contexts: A multilevel investigation of individual and systemic influences on adult sport participation.
 - Mull, R., Kathryn, F., Bayless, G., Ross, C.M., Jamieson, L.M. (2005) Recreational Sport management. 4th ed. Champaign: Human Kinetics.
 - Owen, N., Humpel, N., Leslie, E., Bauman, A., & Sallis, J. F. (2004). Understanding environmental influences on physical activity participation among high- and low-SES youth. Qualitative Health Research, 16: 467-483.
 - Reed, J. A. & Phillips, A. (2005). Relationships Between Physical Activity and the Proximity of Exercise Facilities
 - Schroll, M. Sehlettwein, D. Stavern, W. Van., Schlienger, J.L. (2002). Health related quality on life and physical performance. J Nutr. Health Aging, 6(1): 15- 19.
 - Sugiyama, T. (2012). The Built Environment and Physical Activity Behaviour Change: New Directions for Research? Res Exerc Epidemiol, 14(2): 118-124.
 - Sotiriadou, K. Shilbury, D,(2008), "The Attraction, retention/ Transation, and Nurturing Process of Sport Development: Some Australian Evidence. Journal of Sport Management. 22: 247-272.
 - VVandendriessche, J. B., Barbara, F.R. Vandorpe., & Roel, V, (2012), "Variation in Sport Participation, Fitness and Motor Coordination with Socioeconomic Status among Flemish Children. Pediatric



Designing a development model of the sport for all in Hormozgan province

Mehdi Savadi^{1*}, MehrAli Hemmatinejad², MohammadHassan Gholizadeh³,
HamidReza GoharRostami⁴

Received: Nov 4, 2015

Accepted: Jan 3, 2016

Abstract

Objective: The aim of this research was to design a development model of the sport for all in Hormozgan province.

Methodology: It was an analytical survey. The research population included all the experts in sport for all (lecturers at universities, managers, experts and coaches) in Hormozgan province. The number of 241 participants was selected in order to be interviewed to make a final model. The instrument was a structured questionnaire designed according to the theoretical studies (library study method) and experimental way (interview). The main dimensions included the environmental dimension, management dimension, resource dimension and behavioral which the questionnaire had 66 items in general. Face and content validity was confirmed by experts (15 people), reliability was measured by Cronbach's alpha ($\alpha=0.94$) and construct validity was verified using confirmatory factor analysis. The data was analyzed by structural equation modeling using Amos 20 software.

Results: The factor analysis defined the theoretical construction fit. The path analysis of dimensions about sport for all development indicated that the environmental dimension influenced 0.90 of the management dimension, 0.56 of the resource dimension and 0.45 of the behavioral dimension. Moreover, the management dimension influenced 0.97 of the behavioral dimension, and 0.91 of the resource dimension. Finally, the resource dimension influenced 0.66 of the behavioral dimension.

Conclusion: According to the findings, the development of sport for all in Hormozgan province depends on the environmental factors, managerial factors, resource and finally behavioral factors. Therefore, the policies to develop sport for all should be in line with the defined and analyzed model.

Keywords: Sport development, Development modeling, Development factors, Sport for all, Hormozgan province.

1. Associate Professor of Sport Management, Islamic Azad University, Qeshm Branch

2. Professor of Sport Management, University of Guilan

3. Assist Prof., Financial Management, University of Guilan

4. Associate Professor of Sport Management, University of Guilan

*Email: savadi.mehdi@gmail.com